

در حدیث‌های شیعیان و اهل بیت

در حدیث‌های ائمه و اهل بیت

در حدیث‌های ائمه و اهل بیت

در حدیث‌های ائمه و اهل بیت

در حدیث‌های ائمه و اهل بیت

در حدیث‌های ائمه و اهل بیت

در حدیث‌های ائمه و اهل بیت

در حدیث‌های ائمه و اهل بیت

در حدیث‌های ائمه و اهل بیت

در حدیث‌های ائمه و اهل بیت

در حدیث‌های ائمه و اهل بیت

در حدیث‌های ائمه و اهل بیت

در حدیث‌های ائمه و اهل بیت

در حدیث‌های ائمه و اهل بیت

در حدیث‌های ائمه و اهل بیت

در حدیث‌های ائمه و اهل بیت

در حدیث‌های ائمه و اهل بیت

در حدیث‌های ائمه و اهل بیت

در حدیث‌های ائمه و اهل بیت

در حدیث‌های ائمه و اهل بیت

در حدیث‌های ائمه و اهل بیت

در حدیث‌های ائمه و اهل بیت

در حدیث‌های ائمه و اهل بیت

در حدیث‌های ائمه و اهل بیت

در حدیث‌های ائمه و اهل بیت

در حدیث‌های ائمه و اهل بیت

در حدیث‌های ائمه و اهل بیت

در حدیث‌های ائمه و اهل بیت

در حدیث‌های ائمه و اهل بیت

در حدیث‌های ائمه و اهل بیت

در حدیث‌های ائمه و اهل بیت

در حدیث‌های ائمه و اهل بیت

در حدیث‌های ائمه و اهل بیت

در حدیث‌های ائمه و اهل بیت

در حدیث‌های ائمه و اهل بیت

در حدیث‌های ائمه و اهل بیت

در حدیث‌های ائمه و اهل بیت

خوانش پدیدارشناسانه‌ی

سوره‌های مکی قرآن

نشر نگاه معاصر

(جزء سی)

فرامرز معتمد دزفولی

خوانش پدیدارشناسانه‌ی

سوره‌های مکی قرآن (جزء سی)

فرامرز معتمد دزفولی

کتابنامه

ناشر: نشر نگاه معاصر (وابسته به مؤسسه پژوهشی نگاه معاصر)

مدیر فنی: باسم رسام

وبسایت: سریم استاد

مروغه غنی و صفحه‌آرایی: حروفچینی هُما (امید سیدکاظمی)

لیتوگرافی: نوید

چاپ و صحافی: فرنا

چاپ اول: ۱۳۹۶

شمارگان: ۱۱۰۰

قیمت: ۲۲۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۴-۷۷۶۳-۱۲-۷

نشانی: تهران - مینی سیتی - شهرک مساحی - فاز ۱ - مخارات - بلوک ۳۸ - واحد ۲ شرقی

تلفن: ۰۲۲۴۴۸۴۱۹ / پست الکترونیک: negahe.moaser94@gmail.com

سرشناسه	معتمد دزفولی، فرامرز، ۱۳۵۰
عنوان و نام پدیدآور	خوانش پدیدارشناسانه‌ی سوره‌های مکی قرآن (جزء سی) / فرامرز معتمد دزفولی.
مشخصات نشر	تهران: نگاه معاصر، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	۲۷۶ ص: ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
فروست	اسلام پژوهی.
شابک	978-964-7763-12-7
وضعیت فهرست نویسی	فیبا.
موضوع	تفاسیر (جزء سی).
موضوع	قرآن - بررسی و شناخت.
موضوع	Qur'an - Surveys
موضوع	تفاسیر شیعه - قرن ۱۴.
موضوع	Qur'an - Shiite Hermeneutics - 20th Cencuty
رده‌بندی کنگره	۱۳۹۵ خ ۲ م ۶ / ۱۰۲/۹۴ BP
رده‌بندی دیویی	۲۹۷/۱۸
شماره کتابشناسی ملی	۴۵۴۵۳۰۲

فهرست

۹	◎ مقدمه
۱۳	پیش فرض های روش شناسی و راه ریزی در تفسیر پدیدارشناسانه ی قرآن
۱۸	۱- سوره «مردم»
۲۵	۲- سوره «روشنایی صبحگاهی»
۳۰	۳- سوره «یکی بودن»
۳۳	۴- سوره «لیف خرما»
۳۶	۵- سوره «پوشاننده ها»
۴۰	۶- سوره «زیادشونده»
۴۲	۷- سوره «کمک ها»
۴۷	۸- سوره «قریش»
۴۹	۹- سوره «پیل»
۵۲	۱۰- سوره «عجب جو»
۵۶	۱۱- سوره «زمانه»
۶۳	۱۲- سوره «زیاده نمایی»
۶۶	گام اول در خوانش پدیدارشناسانه سوره های مکی
۷۰	۱۳- سوره «درهم کوبنده»
۷۴	۱۴- سوره «اسبان تیزتک»

۸۰	۱۵- سوره «زمین جنبش»
۸۴	۱۶- سوره «اندازه»
۸۸	۱۷- سوره «خون بسته شده»
۹۹	۱۸- سوره «انجیر»
۱۰۳	۱۹- سوره «گشایش»
۱۰۵	۲۰- سوره «روز روشن»

۱۰۸	گام دوم: خوانش پدیدارشناسی سوره‌های مکی
۱۱۱	۲۱- سوره «ش»
۱۱۶	۲۲- سوره «خرشید»
۱۳۱	۲۳- سوره «شهر»
۱۳۵	۲۴- سوره «سپیده‌د»
۱۴۲	۲۵- سوره «پرده فراگیر»
۱۴۷	۲۶- سوره «بلندمرتبه»
۱۵۱	۲۷- سوره «ستاره شب‌رو»
۱۵۸	۲۸- سوره «برج‌ها»
۱۶۳	۲۹- سوره «شکافته شدن»
۱۶۸	۳۰- سوره «کم‌فروشان»

۱۷۵	گام سوم: خوانش پدیدارشناسی سوره‌های مکی قرآن
۱۸۰	۳۱- سوره «شکافتگی»
۱۸۵	۳۲- سوره «تاریک‌شدگی»
۱۹۷	۳۳- سوره «روی ترش کرد»
۲۰۴	۳۴- سوره «به سختی بیرون‌آوردگان»
۲۱۱	۳۵- سوره «خبر»

۲۲۰	گام چهارم: خوانش پدیدارشناسی سوره‌های مکی
۲۲۴	منزل اول: خوانش پدیدارشناسانه سوره‌های مکی قرآن (جزء سی)

- ضمیمه روش شناسی پدیدارشناسانه سوره‌های مکی قرآن..... ۲۲۷
- الف) روش شناسی پدیداری اثر..... ۲۲۷
- ب) متعین سازی هرمنوتیکی پیش فرض های بنیادی خوانش..... ۲۲۹
- ج) تحلیل محتوی و جستن مرکزیت گفتار- متن ها..... ۲۳۲

● یادداشت ها..... ۲۳۷

● منابع..... ۲۷۳

www.ketab.ir

مقدمه

خوانش پدیدارشناسانه سوره‌های مکی قرآن، می‌کوشد شرایط هرمنوتیکی و پدیدارشناسانه خواندن و فهمیدن این کتاب مقدس و ارجمند را برای مخاطبین امروزش فراهم آورد. آنچه اکنون در میان نواندیشان دینی معاصر مطرح است، بیشتر پرسش از چیستی وحی و سازوکار شکل‌گرفتن متن قرآن در نسبت با پیامبر است. اما آنچه قصد خوانش حاضر ماست، نکته‌ای است که این نظریه‌پردازان علی‌رغم جهد و سعی راه‌گشایشان التفات کمتری به آن داشته و یا از آن بر صائب آنان دور مانده است. برای فهم و تفسیر متن مقدس لازم است آن را در کلیتش خواند و در آن کرد. چنان‌که اکنون پرسش ما این است که آیا ما برآستی متن را در کلیت آن می‌خوانیم؟ آیا خوانسته‌ایم امکان خوانش متن و افاده معنا را برای مخاطب امروزی که با ذهنیتی امروزی می‌اندیشد، فراهم کنیم؟ پاسخ بدیهی‌نما و البته خطا این است که سهل‌ترین کار، نخست در اندز و فهم معنای ظاهر آیات است و دشواری کار در گام بعد، همانا تفسیر و تأویل آن است. اینجانب بر آنم که در عموم تفاسیر موجود و نیز آثار نواندیشی معاصر رفتار این آسیب هستیم که، قرآن را چونان یک متن در کلیت و به صورت غیرگزینشی نمی‌خوانیم و یا افزون بر این نمی‌توانیم بخوانیم. گواه سخنم، نبود جلسات تفسیری قرآن و یا کم‌رونق شدن این حلقه‌ها در میان ماست. آن‌سان که دیگر همچون گذشته تفاسیر جدی و مهمی چون پرتوی از قرآن، تفسیر نوین و المیزان به نگارش نیامدند و هرچه آمد در تکرار آنها بود.

اکنون در کمتر محفلی از نواندیشان دینی ممکن است آیه‌ای یا نکته‌ای قرآنی گفته

آید که با اما و اگرهای تئوریک و غیر تئوریک روبه‌رو نگردد و خواندن و معنی‌دهی و تفسیر آن با مانع و بن‌بست روبه‌رو نشود. ما با گونه‌ای بحران تفسیر روبه‌رو هستیم. بی‌شک علت شکل نگرفتن یا بی‌رونتی این جلسات برای نواندیشان مسلمان، پیش از آنکه به خاطر بی‌علاقگی به موضوعات تفسیری باشد، بیشتر و پیشتر از هر چیز، به دلیل عدم امکان خوانش روشمند متن برای مخاطب امروزی است.

فقدان اسباب و شرایط خوانش متن و نقص روش‌شناسی مناسب موجب شده است که هرگونه قرائت تفسیری در تعلیق پرسش‌های انتقادی و سزاوار مخاطب امروز قرار گیرد و متن و تفسیر آن در محاق و ابهام دورانی فرو رود و فاصله فرهنگی ما و متن چون سکاکی غیرقابل عبور به نظر آید.

این وضعیت در مسأله‌ای است که جوامع امروزی در روند عرفی‌سازی خود پیش می‌روند و متون دینی کهن نیز به تدریج از زمینه اجتماعی مؤمنان خارج می‌شوند و متون معنوی جدید و نزدیک‌تر به افق معنای فرهنگی دوران جایشان را می‌گیرند. آثار و متونی که می‌توانند جایگزین همان افق معنای دینی و معنوی باشند، متونی که در زبان و افق فرهنگی امروز بهتر جا می‌گیرند و با مخاطب خویش همدلانه‌تر ارتباط برقرار می‌کنند. اما علت یابی این وضعیت هرچه باشد، اگره از کار فرایسته مسلمان امروز و متن مقدس وی باز نمی‌کند. وی حتی اگر مشتاق باشد تا کتاب مقدس خود را بخواند و تفسیر کند، این اشتیاق به تنهایی کارساز نیست. چرا که بدون شک، گیری شرایط خوانش متن و جستن افق و روش مناسب، هر خوانش و معنایی به‌علاوه با معیار و مشکل روبه‌رو می‌شود و ناگزیر به افق معنایی دیگری ارجاع می‌گردد.

افق فرهنگی جهان مدرن تفاوت و بلکه فاصله‌ای عظیم با افق فرهنگی و معنوی زمان تکوین متون مقدس و دینی دارد. از این رو خوانش این متون از منظر افق امروزی، به سرعت متن را در تعلیق پرسش‌ها و چالش‌های دورانی آن فاصله فرهنگی قرار می‌دهد.

شاید بتوان گفت نخستین خوانش تفسیری مسلمین پس از دور شدن از افق معنایی نزول وحی، و نخستین معضلات این فاصله‌گیری با خوارج آغاز گردید. چنان‌که علی (ع) را هوشمندانه واداشت مبنای گفت‌وگو با خوارج را متن قرآن قرار ندهد. این آغاز فاصله‌گیری از عصر نزول وحی بود و آغاز بحران سیاسی عقیدتی در جهان اسلام.^۱

این بحران فاصله‌گیری از متن تا دوران بنی عباس ادامه یافت تا آن‌گاه که در این دوره مسلمانان موفق شدند صورت‌یابی افقی دیگر را در عرصه تمدنی خویش رقم زنند. این افق نو و ارجاعی، افقی فقهی و شرعی و تمدن‌ساز بود و نتیجتاً تفاسیر بزرگ این عصر در همین زمینه فرهنگی تولد یافتند و بر این اساس تمدنی متن‌محور و فقیهانه بر حول قرآن و پاسخ‌های برآمده از آن شکل گرفت. همچنان‌که در قرون بعد، افق‌های معنایی دیگری پدید آمدند که متن را با صبغه‌های کلامی، فلسفی و عرفانی مورد خوانش قرار دادند.

اما با برآمدن جهان جدید، تمامی این افق‌های معنایی و ارجاعی، کارایی و توان تمدن‌ساز، و مقبولیتشان را از کف دادند و شاید بتوان گفت که بحران جهان اسلام از دو قرن پیش تا امروز به همین فقدان افق ارجاعی لازم و عدم امکان خوانش متن بازمی‌گردد. اگرچه از صد سال پیش تلاش‌های بسیاری برای خوانش و تفسیر قرآن توسط مسلمانان نواندیش انجام گرفت که منجر به جنبش‌های فکری و انقلاب‌های آزادی‌بخش ضد استعماری شدند، اما این تلاش‌ها هنوز راهی به جایی نبرده و حتی شوربختانه در خوانش نااستوار و غیرروشمند به پدیده‌ای چون بنیادگرایی راه یافته است. در این میانه برای ما اتخاذ و تکیه بر روش پدیدارشناسانه، تلاش و کوششی است برای عبور از این بن‌بست و انسداد معرفتی. کوشش برای تعلیق و در انتظار قرار دادن روش مند افق امروزه که بر ما چیره است و در انتظار و ظهور افق متن نشستن هر یک مدرکه رسیدن به این آرمان و هدف پیش رو سخت است و صعب، اما گشایش‌گر که نیست ای است که بر جان و فهم ما مسلمین از متن مقدس مان نشسته و گشودنش سترگ و کاردان است.

بازگردیم به آغاز سخن؛ ما در اینجا انتظار تبیین متن و پرسش از چگونگی وحی نداریم، چرا که پدیدارشناسی در این سودا نیست؛ به دنبال فهمیم و افاد و رسیدن به معنا و دعوت به خود متن داریم. نواندیشی دینی و روشنفکری مذهبی در آغاز با شار بازگشت به قرآن - مواجهه قرآن بدون واسطه‌های فرهنگی و اجتماعی - گام بلندی را برداشت. اما این بازگشت به دلیل غیرروشمند بودن و گام‌های ابتدایی خود راه به ایدئولوژی‌سازی برد و در چنبره افق عصری خود محصور باقی ماند.

در این روش، ما و خوانش‌گر امروز منتظر راه‌گشایی به افق متن ایم. متن اندک‌اندک و گام به گام به ترسیم و تصویر خود می‌پردازد و خوانش‌گر نیز با پرهیز روش‌شناختی، تنها کمک‌کننده اظهار متن می‌باشد. نه متن در چنگک افق امروز قطعه‌قطعه می‌گردد و نه افق

دیروز و متن برافق امروز سیطره می‌اندازد. گونه‌ای مفاهمه و کنش ارتباطی برای قرائت و خواندن متن. تلاشی که به عنوان مسلمان امروزی در آن مشارکت می‌جوییم و بازگشت روشمند به متن می‌کنیم.

ما به عنوان مسلمانان امروزی در واقع با دو معضل روبرو هستیم. نخست اینکه با متن دینی و مقدسی مواجهیم مربوط به هزار و چهارصد سال پیش که از زمانه ما و افق فرهنگی مدرن که از رنسانس به این سو در جهان شکل گرفته است، بسیار فاصله دارد و نظام معنایی، اخلاقی و هستی‌شناسانه متفاوتی با وضعیت جهان ما دارد. از سوی دیگر هم چون انسان‌هایی تشنه، به معنا و معنویت نیازمندیم که به این آبشخور معنوی در کنار دیگر سرچشمه‌ها، معنوی کهن بازگردیم و روح تشنه خود را سیراب کنیم. پس ما از سویی گرفتار ساله سرخ روش هستیم و ناگزیریم هرمنوتیک مدرن و شیوه انتقادی خوانش متن را جدی بگیریم و از سوی دیگر واجد پرسش‌هایی وجودی و معنوی می‌باشیم که نمی‌توانیم از آنها صرف نظر کنیم و ناگزیریم به خاستگاه‌های معنوی و سنتی رجوع مکرر و مجدد داشته باشیم. پس پژوهش حاضر می‌کوشد در مرزی بسیار باریک حرکت کند. بدین معنا که اولاً بنابر تفهیم خود را در عرض دیگر تفاسیر سنتی قرار دهد که به خوانش روشمند، تاریخی و انتقادی متن بی‌اعتنا بوده و از سوژه مدرن، پیش‌فرض‌های بی‌پایان آن و تاریخت معرفت‌شناختی بی‌خبر می‌زیستند. اما از سوی دیگر کار ما صرفاً گونه‌ای تحقیق بی‌طرفانه و آکادمیک نیست. بدین معنا که ما با این متن گونه‌ای همدلی وجودی داریم، یعنی میل به تعالی و سرور و شوق به جاودانگی و حس اخلاقی و مسائل معنوی دیگری که همه‌روژه ما را در سطوح خود دارند، ناگزیرمان می‌کند که سلباً و ایجاباً به متن قرآن بازگردیم و خود را در آینه آن بگوییم. در یک کلمه هر چقدر که اندیشه «دانش» داریم، از دغدغه «کنش» نیز برخورداریم و نمی‌خواهیم که یکی را فدای دیگری کنیم. به عبارتی دیگر می‌کوشیم مسلمانی باشیم که تفکر انتقادی را جدی می‌گیرد و از لوازم اندیشه جدید آگاه است. با این حال ملهم از همین افق جدید می‌کوشد عناصر معنوی کتاب مقدس خویش را باز یافت کند و به قول کارل یاسپرس سنت دیرین خویش را بار دیگر به تملک خود درآورد و از آن خود کند.